

از حدیث به قرآن

میانی حجیت احادیث تفسیری

تعمدی سیره در حجیت خبری اما ارزش علمی این مبانی، عیار تعلق از: اقب- استناد و ضرورت عقلی، گرچه برخی اصولیان متأخر، قائل به استناد بودند و بر این اساس، گرایش به حجیت مطلق نظر داشتند اما تحقیق ژرف و دقیق و مناقشات استوار شیخ انصاری در ایضال این نظریه، قول به استناد کبیر و نظریه‌های باطل و متروک مساجتیه- حجیت تعمیدی محض؛ مستثنی این وجه نیز روشن تر از آن است که نیازمند به بررسی تفصیلی در این مجال محدود باشند زیرا امری که سیره عقلا بر آن باشد و شارع مقدس نیز بدان نظر مساعد داشته باشد، طبیعی است که به امضا و تقریر آن یا به امضای توأم با اصلاح و تکمیل آن بپردازند. کنگره حجیت خبری از باب سیره جاری بودن سیره عقلا در اعتماد بر خبر واحد از بدیهیات است. ملاک اعتبار خبر در سیره نیز پیدایش وثوق و اعتماد عقلانی به صحت مفاد خبر است؛ و تا چنین اعتمادی پیدا نشده خبر، معتبر شمرده نمی‌شود. بنابراین اعتبار خبر، نفع ما و ائمه است. منوط به حصول وثوق و اعتماد است. خواه مخبر، خود موثره و وثوق باشد یا نیلاند. دانسته اعتبار خبر در عرف عقلا، کنسیتی‌هایی دارد که در مباحث بعدی و در تبیین اصل نظریه توسعه تعمیدی و مفضیلت و ویژگی‌های آن، مورد توجه قرار می‌گیرد. - حجیت خبری از باب توسعه تعمیدی سیره از وزن بر مفسد مورد اعتماد از خبر در سیره اکثر مولا در امور مربوط به مسئولیت و اختیارات شخصی، سختگیری یا تسهیل ویژه‌ای را برای اجرائی خبر و اعتماد به آن اعتبار کند. هم عقل و هم عرف عقلا، این اعتبار را محترم شمرده، انرا از زیر مجموعه اعتبارش را به رعایت آن موظف می‌دانند و چنین خبری را برای آن شخص و بر او، قابل احتیاج می‌بینند. از همین رو نوع مردم، شرایط تعیینی از سوی فرمانروایان، کارفرمایان و مانند آنها را در حوزه اختیار ایشان، محترم می‌شمارند.

چون عرف عقلا، سیره خود را بر اعتماد بر اخبار معتبر در عرف عام، برای تأمین نیازها و بر اساس مبادی اعتباری علم خود، بنا نهاده، این مبدا، قاصر از تأمین تمامی مصالح و نیازهای مورد عنایت در حوزه‌ش نیست.

س- احادیث قابل اعتماد در شریعت در حوزه شریعتیه اجمالاً به ۲ طیف از اخبار و احادیث اعتماد می‌شود احادیث دارای حجیت و جدلی و احادیث دارای حجیت اعتباری و قرار دادی.

احادیث با حجیت اعتباری، ۱- دست‌نمده ۱- طیف احادیث مورد اعتماد در سیره عقلا ۲- طیف احادیث مشمول توسعه تعمیدی سیره عقلا این احادیث در عرف عام عقلا حجیت شمرده نمی‌شود ولی عقلا چنین اعتباری را برای عرف‌هایی خاص محترم می‌شمارند که توضیحش در عنوان «حجیت از باب توسعه تعمیدی سیره گذشته»

۱- دامنه حجیت اعتباری تفسیری

۱- دامنه حجیت خبری منبای نظریه توسعه تعمیدی، مطابق نظر به توسعه تعمیدی سیره عقلا در حجیت خبر (منبای مختار) علاوه بر حجیت احادیث مفید علم و جدلی (علم و اطمینان شخصی) احادیث دارای اعتبار عقلانی (مفید وثوق نوعی) نیز در نظر سیره، حجیت دارند خواه حیثیت علمی و حقیقی تفسیر باشد یا حیثیت تعمیدی و عملی آن زیرا عرف عقلا در اعتماد بر خبر واحد، تمایزی بین اخبار دارای بار علمی یا علمی نمی‌شناسند. این سیره، در شرح مظهر با همین صورتش بدون هیچ تصرف مبتنی بر تفصیح، امضا شده است.

مختار نهادی مادر حجیت احادیث تفسیری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- مبانی و دامنه حجیت احادیث تفسیری
یک- حجیت سنت و ماهیت حجیت تفسیری: حجیت در تفسیر، مفهومی اعم از حجیت وجدلی (علم و اطمینان شخصی) و اصولی (حجیت یا آویزی متجزی و منجزی) است. بنابراین مستند در هر گزاره تفسیری، خواه به دلالت خود آیات باشد یا برگرفته از سنت یا آیه‌ای از آن دور، باید آن مستند یا خود لفظی باشد یا دارای اعتباری لفظی.
پس مستند قابل اعتماد در هر گزاره تفسیری، از چند صورت بیرون نیست: ۱- حجیت لفظی وجدلی است مانند علم و اطمینان شخصی؛ ۲- وجود خبر و حدیثی معتبر به اعتبار عقلایی؛ یعنی مفید وثوق نوعی به مفاد خبر (قابل اعتماد برای متعارف مردم)؛ ۳- وجود خبری معتبر از

محمدحسنی فرنگ‌رودی
این تردید ما در تفسیر قرآن کریم، نیازمند به سنت هستیم، گرچه خود قرآن کریم، منشأ و خاستگاه همه علوم و معارف سنت است اما در ذات خود، حقیقی است روشن و روشنگر هر چیزی و با همین صفت «تبیان لکل شیء» بر رسول خدا ما نازل شده تا او تقاطع اختلاف خیز و ابعاد ناگشوده و نیازمند تبیین و بطون این «بیان للناس» را به فر آخور ظرفیت مردمان برایشان تبیین کند. این مقاله با گذری بر تعریف و ملاحظات حجیت در حوزه تفسیر، به مبانی و دامنه تأثیر احادیث تفسیری می‌پردازد.

۲- توسعه تعمیدی سیره عقلا در حجیت خبری: حجیت‌های وجدلی، از تصور در متشکلان، تصدیق به حجیت آنها لازم می‌آید پس حدیث و هر حجیت تفسیری را اگر از قسم‌های حجیت‌های وجدلی باشند در حجیت آنها جای بحثی نیست. از قسم اخیر، یعنی خبر معتبر به اعتبار عقلانی و خبر معتبر به اعتبار خاص تعمیدی، باقی می‌ماند.

دو- مبانی حجیت خبر و ارزش علمی آنها: مبانی حجیت خبر، از این قرارند الف- حکم عقل به ضرورت عمل به خبر، به لحاظ علم اجتماعی به تکالیف شرعی و تمسک باب علم تفصیلی در تکالیف یادشده-ب- حجیت خبر از باب تمسک شرعی محض؛ ج- حجیت خبر از باب سیره عقلا؛ د- حجیت خبر از باب توسعه

این گنست که علاوه بر حجیت احادیث مفید علم و جدایی (علم و اتمینین شخصی) خبر اعتبار یافته از راه سیره عقلا (مقید و ثوق به صدور خبر نیز در تفسیر حجیت است) چه در گزاره های علمی و چه در گزاره های عملی و تمبیدی آن. اما اخبار اعتبار یافته از باب توسعه تمبیدی سیرد تنها در گزاره های علمی و حجیت تمبیدی آیات قرآن حجیت دارند نه حتی در تفسیر آیات فقهی آن.

۲- از تفصیل بین اخبار عقلایی و تمبیدی با وجود نیاز هر دو طیف اخبار عقلایی و تمبیدی به تأمین اعتبار از سوی شرع، راز این تفصیل در دانش حجیت است. آن نکته نهفته است: الف- تعریف تفسیر و مباحث واقعی آن بی وجود حداقل مسمای کشف و انکشاف در خبر های معتبر عقلایی ج- نبود این میزان از انکشاف و دلالت واقعی در احادیث توسعه تمبیدی.

۳- گزاره های تفسیری بر ۲ گونند: الف- گزاره های تفسیری دارای حجیت ثبوتی واقعی و نفسی لامری مانند آیات دارای مفاد اعتقادی، مرفقی، تاریخی، طبیی و مانند اینها. ب- گزاره های تفسیری دارای حجیت اثباتی و عملی مانند حجیت صلی مربوط به آیات دارای مفاد فقهی.

در حجیت نخست (ثبوتی) مستند تفسیر باید علم یا قطع باشد و یا دلایلی که مسمای عرفی کشف بیان و تفسیر، بر آن صادق باشد یعنی در بر تو آن مفاد آیه به اندازهای وضوح و انکشاف پیدا کند که عرفا بپایان و دلالت بر آن صدق کند تا تفسیر تفسیر، یعنی «کشف المراد عن» بر آن صدق کند اخباری که هم در دلالت و هم در وثوق به صدور شان، در مرتبای هستند که در عرف عقلا مورد اعتقاد قرار می گیرند حد لازم وضوح کشف و انکشاف در آنها حاصل خواهد بود زیرا عرف عقلا خبر راز باب کشف و طریقیت معتبر می شمارند نه تعیین وظیفه عملی پس این اخبار و میزان از احراز لازم برای صدق مسمای کشف و انکشاف را دارد.

نظریه تشکیکی بودن مفهوم انکشاف (چون با برخی اخبار مورد اعتماد عرف کشف و انکشاف نام صورت نمی گیرد) در عرف عقلا همان میزان از کشف کلفی و قابل اعتماد شمرده شده است. با امضای این سیره از سوی شرع مطهر، پاسخ به این پرسش معلوم می شود که خدای متعال چه میزان از انکشاف را در تفسیر آیات و بیان دلالات آنها مجاز می شمارد.

۳- نظر به طر طرح در دلمه حجیت الف- حجیت احادیث معتبر در گزاره های علمی و عملی صاحبان این نظریه، با توجه به اینکه سیره عقلا در حجیت خبر، تمایزی بین حجیت عامی و عملی لحاظ نمی کند امضای این سیره در حجیت خبر و موجب اطلاق اعتبار اخبار معتبر در جهات علمی و عملی می دانند. مشکل این نظریه پندار یک گونگی اخبار معتبر و عدم توجه به تفاوت مبنای حجیت اخبار عقلایی از اخبار مشمول توسعه تمبیدی است.

ب- نظریه تفصیل بین گزاره های علمی و عملی صاحبان این نظریه بر این باورند که گزاره های مربوط به حوزه کلام، معارف و امور منحنی به آن، نیاز به قطع جازم دارند بر خلاف گزاره های تمبیدی فقهی که دلیلی معتبر تمبیدی در آنها کافی است. از این رو احادیث معتبر غیر مفید قطع را تنها در جهات فقهی آیات حجیت می شمارند، نه در جهات علمی و تفسیری.

د- در این نظریه باز آنکه غفلت شده است الف- عرف عقلا خبر های معتبر عقلایی را از باب کشف و طریقیت معتبر می شمارند نه تعیین وظیفه عملی بدین رو میزان از احراز را که برای صدق مسمای کشف لازم است رعایت

می کنند و از نظر خود تأمین یافته می بینند اما نظریه تشکیکی بودن مفهوم انکشاف چون با معمول اخبار مورد اعتماد عرف کشف و انکشاف نام صورت نمی گیرد عرف عقلا همان میزان از کشف را کلفی و قابل اعتماد شمرده اند امضای این سیره از سوی شرع مطهر، تأیید همین میزان از انکشاف و تعیین حد مجاز و قابل اعتماد در تفسیر آیات است.

ب- نه تمبیدی داریم که هر گزاره کلامی نیاز به جزم دارد و نه عقل بدان حکم می کند و نه مابیت جنابونی چون معرفت ایمان، اعتقاد و تصدیق اقتضای باور جزمی در تمام گزاره های کلامی را دارد.

ج- بلی، پیدایش وثوق به صدور یا تحقق شرط حجیت ظهور، در همه گزاره های کلامی یکسان نیست بلکه تابع میزان اهمیت و خطری بودن شان است.

۲- نظریه تفصیل بین اخبار عقلایی و اخبار توسعه تمبیدی این نظریه که متعلق به ماست پیش میستی بر نمایان ۲ عنصر است

الف- تفصیل بین اخبار عقلایی که در گزاره های علمی و عملی حجیت است و اخبار توسعه تمبیدی که تنها در گزاره های عملی حجیت است. ب- ناهمسانی گزاره ها در نیاز به قوت مستند و دلالت گر چه ما در حجیت اخبار عقلایی تفصیلی بین جهات علمی و عملی قائل نیستیم اما پیدایش وثوق به صدور یا تحقق شرط حجیت ظهور، در همه گزاره های کلامی یکسان نیست

پس حجیت تفسیری، اعم از حجیت وجدانی و علم و خطیر اصولی است پس مستند گزاره تفسیری، باید قطعی یا دارای اعتبار قطعی باشد

رو در برخی گزاره ها کمتر از مستند مفید قطع جازم به وثوق به صدور یا به تحقق شرط حجیت ظهور (یعنی به احراز نبوده بلکه قرینه بر لزوم معنای خلاف ظاهر وجود دارد) پیدا نمی شود.

قول به ناهمسانی گزاره ها در نیاز به قوت مستند و دلالت تفصیلی در دانش حجیت اخبار عقلایی نمی دهد اما ناهمسانی آنها در میزان قوت مستند و دلالت مورد نیاز، عملا حاصلش نوعی «تجزیه تفصیل» است.

۴- مقتضیات مبنای حجیت خبر در دلمه حجیت

الف- مبنای ضرورت عقلی بنا بر این مبنا احادیث تفسیری غیر وجدانی در تفسیر حجیت نخواهند داشت و تنها حجیت تمبیدی و فقهی آیات قرآن را - در حد و دلمه ضرورت - مجز می سازند زیرا چنان که گذشته تفسیر دانشی است دارای حجیت علمی واقعی و نفسی لامری.

ب- مبنای تمبید محضی تمبید به خبر، تصویرهای گوناگونی یا مقتضیات متفاوت دیگر حکم آنها، از تأمل در احکام و مقتضیات دیگر مبنای نمایان می شود ضعف این وجه، درنگ پیش از این راز این مجال کوتاه را نمی شمارد.

ج- مبنای سیره عقلا بر این جنبه تمامی احادیث دارای اعتبار و حجیت عقلایی، هم در حجیت علمی تفسیر و هم در حجیت تمبیدی علمی آن، معتبر شمرده می شوند.

د- مبنای توسعه تمبیدی سیره مقتضای این مبنا که دیدگاه خودمان است در مباحث پیش گذشت.

ه- ناهمسانی گزاره ها در نیاز به قوت مستند و دلالت

اخبار مورد اعتماد در سیره عقلا، از نظر میزان قوت و درجه احتمال خلاصه متفاوتند. اعتماد آنان نیز به گزاره های خبری، در تمام موارد به یک صورت نیست. این موارد و میزان قوت مورد

نیاز، تابع اموری چون میزان مصلحت و اهمیت اقدامی میزان قوت احتمال خلاف و میزان ضرر احتمالی مترتب بر آن است. زیرا در اموری جز به خبر مفید علم، اطمینان و سکون نفس پیدا نمی شود و در اموری، به اطمینان شخصی بسیار بالا، سکون نفس پیدا می شود در بیشتر موارد هم به کمتر از چنین درجه از قوت احتمال و وثوق و اعتماد پیدا می کنند.

در موارد کم اهمیت که مستولیت چندین مهم یا الماسا مستولیت و مشکلی ندارد، به اخبار موجب ظنی ضعیف نیز اعتماد می کنند مستند تفسیری ما نیز در قوت مستند و دلالت در موارد گوناگون، باید تابع همین خصوصیات یاد شده باشد تا میزان قوتی را که هر مورد می طلبد، تأمین کند.

۶- عدم تفصیل بین گزاره های کلامی و جز آن: در عین تأکید بر ناهمسانی گزاره های گوناگون در اقتضای قوت مستند و دلالت، لازم به یادآوری است که مقصود از این سخن آن نیست که برخلاف گزاره های فقهی، همه گزاره های کلامی با اعتقادی و امور ملحق به آن، نیازمند دلایلی قطعی هستند زیرا در امور اعتقادی نیز مستند تفسیری ما باید به مبنای از قوت مستند و دلالت برخوردار باشد که اعتقاد و وثوق به آن اصل شود چنان که توضیحش گذشته پیدایش اعتقاد قلبی به هر امری نیز، نیاز به علم جزم ندارد بلکه وابسته به میزان اهمیت آن است. از همین رو است که اعتقاد قابل تقسیم به اعتقاد جازم و غیر جازم است. بنا بر این در عده مسائل

اعتقادی، با دلایل و مستندات مورد وثوق

اطمینانی یا وثوق عادی عقلایی نیز مسمای هر فی وضوح و انکشاف که معیار صحت تفسیر است، حاصل می شود. شرط حجیت این ظهور (فحص از قرآن دال بر لزوم معنای خلاف ظاهر) نیز متناسب با اهمیت مورد، با پیدایش همین وثوق و اطمینان یاد شده، نوعا تأمین می شود. به فرض شزل از گفته بالا می توان گفت اعتقاد سلاوی با تفسیر نیست.

حجیت احادیث تفسیری در تعارض با کتاب و سنت

۱- حالات و احکام تعارض: تعارض بین نص یا ظاهر حدیث قطعی الصدور یا غیر قطعی بانص یا ظاهر قرآن، به حالات قابل تصویر است. الف- تعارض نص حدیث قطعی بانص قرآنی: به دلیل عصمت مصومان تا از مخالفت با قرآن و سنت، وقوع چنین صورتی محال است.

ب- تعارض نص حدیث غیر قطعی بانص قرآنی: حدیث مخالف قرآن، باطل و از اعتبار ساقط است.

ج- تعارض نص حدیث قطعی با ظاهر قرآنی: در ظاهر قرآنی، تصرف شده و مفاد آیه، حمل بر معنا حدیث می شود یعنی آیه به گونه ای تأویل می شود که قابل جمع عرفی بانص حدیث باشند. د- تعارض نص حدیث غیر قطعی با ظاهر قرآنی: بین مفاد این احادیث با مفاد آیه، به وجهی عرفی جمع می شود و آیه با آن تفسیر می شود خواه به صورت حمل ظاهر آیه بر مفاد حدیث باشد یا حمل آیه بر تمدد معنا و اینکه حدیث متکفل بر این یکی از آن معانی است یا حمل حدیث بر تأویل و تفسیر به بطون، یا وجه جمعی همانند اینها.

این وجه در صورت امکان جمع عرفی بین مفاد احادیث با مفاد آیات است و الا حدیث به عنوان خبر مخالف کتاب از اعتبار ساقط است. ه- تعارض ظاهر حدیث قطعی بانص قرآنی:

ظاهر حدیث، با مفاد نص قرآنی، به گونه ای که در مورد قبل اشاره شد، جمع می شود زیرا با وجود قطع به صدور حدیث، هر وجه جمع نزدیک تری که بتواند آن را در کنار مفاد آیه جمع کند عرفی خواهد بود مگر اینکه هیچ یک از وجهه محتمل، رجحان معینی نداشته باشد و به لحاظ اجمال یا قرض از حجیت ساقط شود.

و- تعارض ظاهر حدیث غیر قطعی بانص قرآنی: حدیث غیر قطعی با اعتبار عقلایی، در چنین مواردی در حکم قطعی الصدور است. پس حدیث با تفصیل یاد شده در موارد پیش، حمل بر معنای موافق قرآن می شود.

ز- تعارض ظاهر حدیث قطعی بانص قرآنی: ظواهر، حمل بر نص می شود.

ح- تعارض ظاهر حدیث غیر قطعی یا ظاهر قرآنی با امکان جمع عرفی، حدیث موثوق الصدور ولی غیر قطعی، در حکم قطعی الصدور است. پس ظاهر هر دو دلیل حجیت است و با هم جمع می شوند زیرا تا مدتی از حجیت ظهور نشان بخراز نشود، ظهور هر دو، حجیت خواهد بود با امکان جمع نیز مسمی برای حجیت این ظهور پیدا نمی آید. نظیر ۲ حدیث قابل جمع.

۲- حالات و احکام تعارض حدیث تفسیری با سنت هر آنچه در حالات و احکام تعارض حدیث با قرآن بیان شد، در تعارض حدیث تفسیری با سنت یعنی با احادیث مسلم مصومان نیز جاری خواهد بود.

۱- جایگاه احادیث نامعتبر در تفسیر

۱- گونهای احادیث نامعتبر: الف- ضعف اصطلاحي به احادیث مورد اعراض حج احادیث مخالف کتاب و احادیث مخالف سنت و حدیث مخالف بقرینهات

احادیث نامعتبر، ۲ دسته اند: ۱- احادیثی که قطع به عدم صدور آن و نامرستی مضمونش باشد. این دسته احادیث هم فکار شان جایز است و هم تا قطع مزبور باقی است. فایده ای بر آن پلر نمی شود گرچه با عنایت به جهل مرکب بودن بسیاری از موارد قطع، تا نیاز و ضرورتی اقتضا نداشت، بهتر است فکشان از رد و فکار احادیث بپرهیزد. ۲- احادیثی که قطع به عدم صدور و نامرستی مفادش نباشد ولی فاقد اعتبار باشند باید توجه داشت که

اولا، حدیث ضعیف اگر چه راوی آن از بدنام ترین و ضعیف ترین باشد، مسلاوی با حدیث معمول نیست. از این رو تا اطمینان به معمول بودن آنها نباشد، فکار شان مجاز نخواهد بود. ثابا، این دسته از احادیث به رغم ضعف سند، ممکن است دارای فوایدی باشند.

۲- فواید احتمالی احادیث تفسیری نامعتبر: از تفاوت های اساسی بین احادیث تفسیری با دیگر گونه های حدیثی این است که سایر احادیث باید تنها خود، دلالت کافی بر مفاد خویش داشته باشند برخلاف احادیث تفسیری که پنجره دلالت آیات را در کنار پنجره دلالتی الفاظ خود دارند. اینجا مست که موافقت و عدم موافقت حدیث با آیه و تناسب معنایی و رابطه مفر و مفسر میان آن دو - به ویژه برای دانشوران کار آموزده و آشنای با شیوه های تفسیری اهل بیت (ع) - از روشن ترین آیینها و قرائن موجب تقویت یا احراق تضعیف دلالتی حدیث خواهد بود.

با این نگاه، به برخی فواید مترتب بر احادیث تفسیری نامعتبر اشاره می کنیم:

الف- استناد به ضعیف پس از تبیین ب- کشف حقایقی که تصور شان موجب تصدیق شان است. ج- جرعه آغازین کشفیاتی ارزشمند در رب حامل لقه الهی من هو افقه منه

ه- کاربرد در بخش احکام غیر الزامی

